روزنامه شرق

جامعه

رحم اجاره‌ای، چرا و چگونه، گفت‌وگو با دکتر نوروزی — صفحه ۸

بخشی از اضطراب تهرانی‌ها حاصل بی‌هویتی پایتخت است — صفحه ۹

«تامین اجتماعی» در انتظار ناجی — صفحه ۱۰

عکس: پایگاه اطلاع رسانی دولت

دولت دهم و سوال‌های بی‌جواب

تامین اجتماعی لاغر

فاطمه جمال‌پور

تامین‌اجتماعی لاغر تمام آن چیزی است که می‌توان با آن این سازمان عریض و طویل را توصیف کرد. سازمانی با ۱۱میلیون بیمه شده اصلی، دو میلیون مستمری بگیر و ۳۵میلیون نفر جمعیت تحت‌پوشش که حساب و کتاب و دخل و خرجش بر زندگی میلیون‌ها ایرانی تاثیر می‌گذارد و اما حال و روز این روزهایش خوب نیست.

سازمانی که اگر حساب و کتابش با هم نخواند نمی‌توان انتظار داشت در سال‌های آینده مستمری میلیون‌ها بیمه‌پرداز امروزش را پرداخت کند. حالا باید به محتویات تابلویی که سال‌های سال است مسافران خیابان آزادی هنگام عبور از نبش بهبودی و سازمان تامین‌اجتماعی با آن روبه‌رو می‌شوند شک کرد؛ تامین‌اجتماعی؛ نیاز امروز و پشتوانه فردا. دیگر دیدن تصویر آن دخترک با چتری‌های کوتاه شده و لبخند پهن نمی‌تواند آرامش‌بخش باشد!

سازمان تامین‌اجتماعی امسال نتوانست عیدی و حقوق بازنشستگانش را به موقع و همزمان پرداخت کند و انتظار بازنشستگان برای پرداخت عیدی تا نیمه‌سوم اسفندماه به درازا کشید. اتفاقی که بیش از هر چیز نشان از نبود نقدینگی در سازمان تامین‌اجتماعی را می‌دهد. چند کار نیمه‌تمام سازمان تامین‌اجتماعی را از سال ۹۱ به سال ۹۲ پیوند می‌دهد، یکی اصلاح پرسروصدای قانونی تامین‌اجتماعی است که سرانجامش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، اصلاحی که در اثر نخواندن منابع و مصارف سازمان از سوی کارشناسان معاونت حقوقی بدون رعایت سه‌جانبه‌گرایی و لحاظ نظر کارگران و کارفرمان اتفاق افتاد و صدای کارگران را درآورد و در پشت درهای بسته اتفاق افتاد، دیگری دریافت مطالبات ۳۵هزارمیلیاردتومانی از دولت است که تاکنون تنها هشت‌هزارمیلیارد آن روشن است و مابقی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، سومی سرنوشت شستا و شستای نوین است، بزرگ‌ترین هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری کشور که بعد از ناتمام ماندن تحقیق و تفحص مجلسی‌ها از آن حالا دیگر واقعا تبدیل به حیاط خلوت تامین‌اجتماعی شده‌اند و تنها اخباری از معامله میلیاردی در شستا از زبان رییس دولت و در جریان استیضاح شیخ‌الاسلام به صحن علنی مجلس رسید و دیگر هیچ خبری از آن منتشر نشد، موضوع بعد اجرای قانون غبارگرفته همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تامین‌اجتماعی با بازنشستگان کشوری و لشگری بود که به‌رغم قول مرتضوی اجرایی نشد و...

اما فارغ از تمام این اتفاق‌های نیمه‌کاره امسال آخرین سال فعالیت دولت احمدی‌نژاد در تامین‌اجتماعی خواهد بود، دولتی که در هشت‌سال عمر آن هشت مدیرعامل بر مسند تامین‌اجتماعی تکیه زدند که آخرین آنها سعید مرتضوی قاضی معروف بود. پایان عمر دولت در تامین‌اجتماعی فرصت مناسبی برای مرور کارنامه تامین‌اجتماعی در دولتی است که داعیه عدالت محوری را دارد.

«شستا» حیاط خلوت تامین‌اجتماعی

شرکت سرمایه‌گذاری تامین‌اجتماعی که به اختصار شستا نامیده می‌شود، در سال ۱۳۶۵ به منظور حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان با سرمایه اولیه ۲۰میلیاردریال تاسیس شد و در سال‌های بعد طی چند مرحله مبادرت به افزایش سرمایه کرد و حالا بزرگ‌ترین هلدینگ سرمایه‌گذاری کشور است. سال گذشته اما برای شستا سال تغییرات پرتعداد مدیرعامل بود؛ اولی پنج ماه پس از انتصاب عزل شد، دومی معاون اقتصادی تامین‌اجتماعی بود که همزمان بر مسند سرپرستی شستا تکیه زد و سومی مدیرعاملی است که سابقه بازداشت را دارد.

در عین حال چهار عضو هیات‌مدیره شستا از جمله سعید مرتضوی، عزیز دولت‌خواه، بهنام پرهیزگار و نجات امینی هریک به نوعی در تامین‌اجتماعی سمت دارند. مرتضوی به عنوان رییس هیات مدیره، دولت‌خواه و پرهیزگار به عنوان اعضای هیات مدیره تامین‌اجتماعی و نجات امینی به عنوان معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی سازمان تامین‌اجتماعی. این در حالی است که سازمان تامین‌اجتماعی باید بر عملکرد شستا نظارت کرده و به این ترتیب تعارض نقش‌ها در تعامین اجتماعی و شستا به وضوح به چشم می‌خورد.

یکی از کارشناسان ارشد سازمان تامین‌اجتماعی که نخواست نامش فاش شود در این رابطه به شرق می‌گوید:«به لحاظ فنی و علمی حضور مسوولان سازمان تامین‌اجتماعی در هیات‌مدیره شستا مشکل‌زاست، چراکه آنها ناظر بر شستا هستند و باید میان ناظر و مجموعه تحت‌نظارت مرزهای مشخصی وجود داشته باشد و ناظر نباید در مجموعه تحت نظارتش تصدی‌گری کند.»

وی ادامه می‌دهد:«به این ترتیب امکان نظارت و کنترل شستا وجود ندارد، چرا که باید مدیرعامل سازمان تامین‌اجتماعی در زمینه عملکرد شستا گزارش دهد.»

وی در ادامه در زمینه سخنان مرتضوی مبنی بر ذخیره یک‌سال مستمری و حقوق مستمری‌بگیران سازمان تامین‌اجتماعی می‌گوید:«این صحبت‌ها در تناقض با وضعیت تامین‌اجتماعی با توجه به گرانی‌های بخش درمان و غیره قرار دارد و ضمن اینکه طبق اظهارات این ذخیره به صورت ارزی است و سازمان امکان مانور بر آن را ندارد.»

وی ادامه می‌دهد:«سازمان تامین‌اجتماعی ماهانه ۱۵۰۰میلیاردتومان مستمری پرداخت می‌کند و به این ترتیب سالانه ۱۷ تا ۱۸هزارمیلیاردتومان نیاز دارد و بنابر اظهارات مرتضوی درحال حاضر باید سازمان تامین‌اجتماعی ذخیره‌ای ۱۸هزارمیلیاردتومانی را در یکی از بانک‌ها سپرده‌گذاری کرده باشد که سود آن مبلغ قابل‌توجهی است که می‌تواند بخشی از مشکلات سازمان را حل کند.»

این کارشناس در ادامه می‌گوید:«به‌رغم اظهارات مسوولان مبنی بر پرداخت مطالبات ۳۵هزارمیلیاردتومانی تامین‌اجتماعی از دولت تاکنون تنها هشت‌هزارمیلیاردتومان از مطالبات به طور رسمی به تامین‌اجتماعی پرداخت شده است.»

حالا بازنشستگانی که ۳۰سال حق‌بیمه پرداخته‌اند، هنگام بازنشستگی بابت هر روز یک حق‌بیمه پرداخت نکرده بودند ناچار به ادامه کار بودند و مو از ماست پرونده بیمه‌ایشان بیرون کشیده شده تا مبادا بیمه‌پردازان حتی یک روز کمتر از ۳۰ سال کامل بیمه پرداخته باشند، هیچ اطلاعی هم از آنچه بر سرمایه‌شان می‌افتد ندارند.

داستان طلب‌های تامین‌اجتماعی

اگرچه احمدی‌نژاد در فروردین سال ۹۰، بدهکاری‌های دولت به تامین‌اجتماعی را رد کرده بود اما رحمت‌الله حافظی، مدیرعامل پیشین صندوق تامین‌اجتماعی درباره بدهی‌های دولت به تامین‌اجتماعی گفته بود: آقای رییس‌جمهوری در اولین نشست مطبوعاتی سال ۹۰، گفتند که بدهی به این معنا که ما پولی از سازمان تامین‌اجتماعی گرفته باشیم و حالا به آن بدهکار باشیم، وجود ندارد؛ اما معاون اول دولت اندکی پس از انتصاب مرتضوی و به ریاست سازمان تامین‌اجتماعی از پرداخت تکالیف یا طلب‌های ۳۵هزارمیلیاردتومانی دولت به سازمان تامین‌اجتماعی خبر داد.

طلب‌هایی که پس از اعلام تاکنون تنها مجموعه هتل‌های هشت‌میلیاردتومان هما و هواپیمایی هما به سازمان تامین‌اجتماعی واگذار شد و این واگذاری درحالی بود که سازمان تامین‌اجتماعی دوسال پیش مجموعه هتل‌های پارس را ارزان فروخت و اما امسال مجموعه هتل‌های هما را تحویل گرفت.

اما پرداخت تمام بدهی‌های دولت به تامین‌اجتماعی، معنی‌ای غیر از حمایت قوی و کامل دولت از مرتضوی ندارد. این درحالی است که حداقل همه مدیران تامین‌اجتماعی در هشت‌سال گذشته توان گرفتن بدهی‌هایشان از دولت را نداشتند و البته اختلافات مالی چند صدمیلیاردتومانی با وزارت بهداشت و مراکز درمانی مختلف داشتند.

البته روایت خود مرتضوی از این موضوع شنیدنی است:«در گذشته بسیاری از مسوولان می‌گفتند که مکلف نیستند بدهی‌ها را پرداخت کنند یا اینکه ادعا می‌شد اگر تکلیفی از سوی مجلس یا مصوبه‌ای از سوی هیات دولت در مورد تامین‌اجتماعی صادر شود و تکلیفی ایجاد کند مسوولین سازمان زمانی اقدام می‌کنند که بودجه وارد سازمان شود در غیر این صورت حق هیچ‌گونه اقدامی ندارند.»

وی گفته است: آقای احمدی‌نژاد بعد از اینکه استدلال‌های ما را شنید همت والایی در بحث پرداخت دیون کرد. به گونه‌ای که دو مصوبه در این زمینه در هیات دولت مورد تصویب و همچنین ۳۵هزارمیلیاردتومان بدهی سازمان مورد موافقت و تصویب دولت قرار گرفت و تاکید شد که تمام دیون پرداخت می‌شود.

وی افزود: تاکنون در راستای پرداخت دیون سهام ۳۷ شرکت دولتی به نام سازمان تامین‌اجتماعی شده و سازمان خصوصی‌سازی و هیات واگذاری نیز واگذاری قطعی این شرکت‌ها را امضا کرده‌اند.

البته خود مرتضوی می‌گوید: در حال حاضر تمام بدهی‌های دولت به تامین‌اجتماعی پرداخت نشده و سازمان در حال حاضر در جست‌وجوی شرکت‌هایی است که در طرح خصوصی‌سازی امکان واگذاری آنها به تامین‌اجتماعی وجود دارد، اتفاقی که تاکنون به درازا کشیده شده است.

چند کار نیمه‌تمام سازمان تامین‌اجتماعی را از سال ۹۱ به سال ۹۲ پیوند می‌دهد، یکی اصلاح پرسروصدای قانونی تامین‌اجتماعی است که سرانجامش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. دیگری دریافت مطالبات ۳۵هزارمیلیاردتومانی از دولت است که تاکنون تنها هشت‌هزارمیلیارد آن روشن است و مابقی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، سومی سرنوشت شستا و شستای نوین است

داستان ناتمام مانده تحقیق و تفحص

همه تحقیق‌ها که حتما قرار نیست به نتیجه برسد، انگار تحقیق و تفحص از تامین‌اجتماعی هم یکی از همین تحقیق‌هاست. گزارش عملکرد تیم تحقیق و تفحص هم مثل تحقیقات کیمیاگران بی‌نتیجه است.

نتیجه تحقیق و تفحص از صندوق تامین‌اجتماعی قرار بود شش‌ماه پس از مدت قانونی که مجلس پیش‌بینی کرده بود به اتمام برسد اما با تمام شدن عمر مجلس هشتم ناتمام ماند. تحقیق و تفحص از صندوق تامین‌اجتماعی اردیبهشت ۸۹ از سوی نمایندگان مجلس به تصویب رسید و براساس قانون شش‌ماه مهلت برای پیگیری آن درنظر گرفته شد اما به دلایل مختلفی مانند عدم همکاری تامین‌اجتماعی با اعضای کمیته تحقیق و همچنین تغییر مدیران این مجموعه، در مدت تعیین شده کار به اتمام نرسید و شش‌ماه دیگر تمدید شد. در ادامه اما به دستور رییس مجلس تحقیق و تفحص از تامین‌اجتماعی، شستا و سازمان بازنشستگی متوقف و به مجلس بعد موکول شد و در مجلس فعلی هم خبری از تحقیق و تفحص نیست تا هزارمیلیاردتومان تخلف مورد ادعای نمایندگان در اذهان به صورت علامت سوال باقی بماند.

شش‌ماه مهلت قانونی دوم نیز در اردیبهشت ماه ۹۰ به پایان رسید اما باز هم نتیجه تحقیق و تفحص طی این مدت مشخص نشد به‌طوری که اعضای کمیته تحقیق و تفحص شش‌ماه دیگر نیز به زمان قبلی افزودند.

اما تمامی اسناد طبقه‌بندی‌شده به نقطه نامعلومی منتقل شده‌اند تا نمایندگان از دسترسی به آنها محروم شوند. سلیمان جعفرزاده، رییس کمیته تحقیق و تفحص از صندوق بازنشستگی کشوری و تامین‌اجتماعی اعلام کرده بود که حجم تخلف‌های مالی در شرکت‌های تابعه این دو صندوق بیش از هزارمیلیارد برآورد شده است.

اصلاح قانون یا کم کردن تعهدات تامین‌اجتماعی

افزایش سن بازنشستگی، افزایش دو درصدی سهم درمان کارگران، محدود کردن خدمات درمانی رایگان به درمان پایه و افزایش دودرصدی تغییرات حق‌بیمه از جمله تغییراتی بود که در لایحه اصلاح قانون تامین‌اجتماعی گنجانده شد.

گفته می‌شود سازمان با بازنگری در قانون تامین‌اجتماعی به دنبال تامین کسری درآمدهای خود است تا جوابگوی بدهی‌ها به بیمه‌پردازان باشد. بر این اساس عمده‌ترین اصلاحات شامل افزایش سن و سوابق لازم برای بازنشستگی، کاهش دامنه مشاغل سخت و زیان‌آور خواهد بود. به عبارت دیگر مدیران تامین‌اجتماعی بیش از هر چیز به دنبال این هستند که بازنشستگی در سن ۶۰سالگی و نیز بازنشسته شدن کارکنان پس از ۳۰سال سابقه کار را تغییر و افزایش دهند.

سعید مرتضوی رییس سازمان تامین‌اجتماعی اصلاح قانون تامین‌اجتماعی را مهم‌ترین برنامه فعلی این سازمان دانسته و عنوان کرده بود: اصلاح قانون تامین‌اجتماعی براساس برنامه پنجم توسعه از الزامات قانونی است که باید در سال اول اجرای برنامه انجام می‌شد. این درحالی است که در برنامه پنجم توسعه تنها تامین‌اجتماعی موظف به تغییر و اصلاح قوانین مربوط به بسط و گسترش بیکاری شده است.

براساس گفته‌های مدیران سازمان ایرادات و نارسایی‌های این قانون باعث بروز مشکلات فراوان و تشکیل ۲۰هزار پرونده در دیوان‌عدالت اداری در رابطه با تامین‌اجتماعی شده است، اما آیا فقط قدمت می‌تواند دلیل این امر باشد؟ آیا اساسا قدمت یک قانون نشانه قوت آن نیست و مگر فقط قانون تامین‌اجتماعی در ایران قدیمی است؟ قانون تجارت ایران بیش از ۶۰ سال قدمت دارد. قانون اساسی کشور بیش از ۳۰سال و بسیاری از احکام مندرج قوانین قضایی کشور نظیر قانون مدنی و... چندین قرن قدمت دارند.

پربحث‌ترین اتفاق و خبر درباره لایحه اصلاح قانون تامین‌اجتماعی از زبان زدا مدیرکل فنی و درآمد این سازمان منتشر شد. خبری که از افزایش سن بازنشستگی حکایت می‌کرد بعدتر مرتضوی مدیرعامل این خبر را شدیدا تکذیب کرد اما فارغ از تایید یا تکذیب این خبر در متن لایحه آمده که سازمان تامین‌اجتماعی با توجه به شرایط کشور مجاز به افزایش سن بازنشستگی است.

در لایحه اصلاح قانون تامین‌اجتماعی خدمات درمانی هم محدود شده است. براین اساس که سقفی برای استفاده از خدمات درمانی پایه درنظر گرفته شده است. حسن صادقی، نماینده کارگران عضو خانه کارگر در این‌باره گفته: «با این تغییرات در واقع فروش خدمات درمانی به بیمه‌شدگان را شاهد خواهیم بود، شما قضاوت کنید تمام این بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها با پول بیمه‌شدگان ساخته شده و از سود حق بیمه به گردش افتاده است. حالا می‌خواهند خدمات همین مراکز را به سرمایه‌گذاران واقعی بفروشند؟ یک بازاری ایجاد می‌شود که برای کارگر و بیمه شده چیزی جز ضرر و زیان نخواهد داشت.»

او با تاکید بر اینکه ما در مقابل این تغییرات خواهیم ایستاد گفته است:«۱۴هزارو۷۰۰ بخشنامه تاکنون در تامین‌اجتماعی صادر شده و تعداد زیادی از این بخشنامه‌ها در واقع باعث شده که قانون تامین‌اجتماعی به‌طور کامل اجرا نشود و نتیجه این بخشنامه‌ها ضایع شدن حقوق بیمه‌شدگان است و آنها ناچار شده‌اند برای احقاق حقوقشان شکایت کنند، درحالی‌که اگر قانون تامین‌اجتماعی به‌طور کامل اجرا می‌شد ما در حال حاضر با این حجم شکایت روبه‌رو نبودیم.»

صادقی معتقد است: «این تغییراتی که در قانون تامین‌اجتماعی ایجاد شده در واقع فروش خدمات به بیمه‌شدگان تامین‌اجتماعی را رقم‌زده است چراکه درمان بیمه‌شدگان و کارگران را فقط در حد درمان پایه برعهده تامین‌اجتماعی دانسته و مازاد آن را می‌خواهند به‌صورت بیمه تکمیلی یا با پرداخت پول انجام دهند، درحالی‌که قانون ما می‌گوید که تمام هزینه‌های درمان بیمه‌شدگان باید و باید از سوی تامین‌اجتماعی پوشش داده شود.» این‌ها همه در حالی است که مدیران عامل سازمان تامین‌اجتماعی سال‌هاست که از هزینه‌های سرسام‌آور بخش درمان گلایه دارند؛ طی شش، هفت‌سال گذشته هربار مدیران عامل این سازمان نشست مطبوعاتی با حضور خبرنگاران برگزار کرده‌اند، تاکید داشته‌اند که بخش درمان سازمان تامین‌اجتماعی هزینه بسیاری بر دوش این سازمان گذاشته است، به‌نظر می‌رسد بالاخره همت مضاعف تمام مدیران عامل سال‌های اخیر بالاخره به ثمر نشسته و کارشناسان تامین‌اجتماعی هر چه در توان داشتند به‌کار بستند که بخش درمان را هرچه بیشتر قلع‌وقمع کنند. لایحه اصلاح قانون تامین‌اجتماعی هرچه که بود خبری از سرنوشت آن در دست نیست. انگار مسوولان این سازمان ترجیح داده‌اند تغییرات را در سکوت پیگیری کنند یا آن را مسکوت بگذارند.

تامین‌اجتماعی نهاد عمومی غیر دولتی یا سازمانی دولتی؟

سازمان تامین‌اجتماعی یک موسسه عمومی غیر دولتی است که به موجب قانون اداره آن باید با رعایت سه‌جانبه‌گرایی و فارغ از ماده۱۷ قانون نظام جامع رفاه و تامین‌اجتماعی صورت گیرد.

چند سال گذشته اساسنامه سازمان تامین‌اجتماعی تغییر کرده است، دولت در مجموع چهار بار طی سال‌های ۸۷، ۸۹ و ۹۱ بدون توجه به ماهیت سازمان تامین‌اجتماعی که عمومی، غیر دولتی و سه جانبه است، اساسنامه این سازمان را با استناد به ماده ۱۷ نظام جامع رفاه و تامین‌اجتماعی تغییر داده است. موجب ماده ۱۷ قانون نظام جامع رفاه و تامین‌اجتماعی باید اساسنامه صندوق‌های بیمه‌ای چون بازنشستگی کشوری، خدمات درمانی، فولاد و مس، نفت و بانک‌ها که دولتی و دوجانبه زیر نظر بخش‌هایی از دولت قرار دارند مورد بازنگری قرار می‌گرفت اما سازمان تامین‌اجتماعی نیز با از دست دادن استقلال اداری و شخصیت مستقل حقوقی و سه‌جانبه‌گرایی، اساسنامه‌اش تغییر کرد به طوری که به موجب این تغییرات ساختار نهادهای نظارتی، تصمیم‌گیری و اجرایی سازمان تامین‌اجتماعی به‌هم ریخت و دیگر مدیرعامل سازمان تامین‌اجتماعی نمی‌تواند در همه امور پاسخگو باشد. در راستای این تغییرات یک‌بار سازمان به صندوق تغییر پیدا کرد و زیر نظر وزارت رفاه رفت و استقلالش خدشه‌دار شد و دیگر بار به سازمان تغییر یافت تغییری که بیش از هر چیز برای حفظ مرتضوی اتفاق افتاد.

تامین‌اجتماعی در آستانه چهارمین دهه زندگی خود قرار دارد، سازمانی بین نسلی که امنیت ملی کشور در گرو فربه بودنش است، حالا آینده حضورش بیش از هر زمان دیگری با اما و اگرهایی روبه‌رو شده درحالی که آینده میلیون‌ها کارگر در گرو چرتکه پرو پیمان آن است حالا لاغرتر از زمان دیگری است و پرچم سفیدش به سیاست آلوده شده است.

باید دید در آینده برای سازمانی که مدیرعاملش حق امضا ندارد و هرچند وقت یک‌بار برای پاسخ دادن به اتهامات گذشته‌اش راهی دادگاه می‌شود چه پیش می‌آید؟

یادداشت

تامین‌اجتماعی سازمان بی‌دفاع

فرشید یزدانی

نهادهای مرتبط با تامین اجتماعی عموما نهادهایی هستند بی‌طرف در منازعات سیاسی و قدرت، چراکه وظیفه آنها خدمت‌رسانی به آحاد مردم فارغ از تمامی گرایشات سیاسی و مذهبی و اجتماعی است. از این نهادها به عنوان عاملی در آشتی ملی نام برده می‌شود. اما جذابیت‌های مالی آنها و گستره عملیاتی و مخاطبان آنان در فضای بسته و خلأ نظارت عمومی گاه بلای جان آنان می‌شود و صاحبان قدرت از این نهادها به عنوان ابزارهایی برای بازی قدرت استفاده می‌کنند. در این شرایط رویکردهای تخصصی و حرفه‌ای دیگر جایی ندارد و دعوای قدرت نیز عموما معطوف به دو امر است؛ نخست منابع مالی مستقل و با کمترین نظارت و دوم گستره عملیاتی و طرف‌های مخاطب وسیع و غالبا بدون دفاع. از این‌رو گاه ضربات جبران‌ناپذیری به این نهادها وارد می‌شود که هزینه آن از جیب جامعه مخاطب تامین می‌شود.

سازمان تامین اجتماعی نیز در این سال‌ها دچار چنین بلیه‌ای بوده است. هفت مدیرعامل طی هفت سال خود نشانی از غلبه این رویکرد توسط دولت به آن است. برنامه‌های منسجم و کاربردی‌ای که تا مرحله عملیاتی شدن طراحی و تدوین شده بودند، با حضور اولین مدیرعامل منصوب دولت نهم (که در مغایرت با متن صریح اساسنامه این سازمان که مدت زمان مدیرعامل را سه سال تعیین کرده بود، منصوب شد) برنامه‌های راهبردی این سازمان به محاق فرو رفت. در همان زمان مهم‌ترین دعوای مدیریت جدید با وزیر وقت بر سر مدیریت بر سرمایه‌های این سازمان در شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) بود. دیگرانی نیز که پس از ایشان آمدند در همان پارادایم و رویکرد به کار وارد سازمان شدند و گاه ضربات جبران‌ناپذیری بر این سازمان وارد کردند و ساختار و مناسبات داخلی سازمان را به چالش کشیدند. نهادهای اندیشه‌ورز در این سازمان منحل یا به حاشیه برده شدند و نتیجه آن شد که امروز شاهد آن هستیم. نتیجه‌ای که در فرآیند تدوین برنامه راهبردی این سازمان در سال ۱۳۸۳ به خوبی ترسیم شده بود و رویکرد برنامه راهبردی نیز به سمت پیشگیری از این وضعیت بود. امروز این سازمان به جایی رسیده است که جزو یکی از مطرح‌ترین نهادها در منازعات قدرت در آمده است. هر سه قوه حاکمیتی بر سر آن دعوا می‌کنند. دعوایی که به نظر می‌رسد صلاح و مصلحت جامعه بیمه شده و سازمان در آن کمترین جایی را به خود اختصاص نداده است. امروز بحث از فروش دارایی‌های سازمان برای تامین هزینه‌های جاری آن (هزینه‌های پرداخت مستمری‌ها) می‌رود. سهم سرمایه‌گذاری از منابع در بودجه این سازمان رقمی نزدیک به صفر را به خود اختصاص می‌دهد. از سوی دیگر در این خلأ فکری و حضور موثر این سازمان در سطح مدنی و حاکمیتی دیگر نهادهای قضایی و قانونگذار نیز هر روز به واسطه لابی قوی کارفرمایانی که سود مهم‌ترین هدف آنان است مصوباتی را علیه حقوق این سازمان و درواقع حقوق بیمه‌شدگان و نیروی کار به تصویب می‌رسانند. مجموعه عملکرد و رویکرد برخی نهادها در این چند سال منجر به آن شده که در منازعات قدرت این سازمان به سازمانی بدون دفاع تبدیل شده است، که هر روز از جهتی مورد تعرض قرار می‌گیرد. سازمانی که با ادامه این روند بی‌گمان دچار مشکلاتی جدی در تمام فرآیندهای خود خواهد شد، مشکلاتی که طلیعه‌های آن زیاد ناپیدا نیست.

نگاه

بدهی ۴۵۰هزارمیلیارد ریالی دولت به تامین اجتماعی

محسن ایزدخواه
معاون پیشین حقوقی تامین اجتماعی

مهم‌ترین رسالت نظام‌های تامین اجتماعی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نیل به تحقق عدالت اجتماعی، تامین سطح متناسب معاش و تضمین آن برای آحاد مردم، فراهم کردن زمینه مناسب برای تحقق رشد و توسعه پایدار، ایجاد آرامش روانی و اجتماعی و بالاخره ایجاد امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به منظور فراهم آوردن زمینه‌های رشد و تعالی انسان است. علاوه بر این، گسترش و جامعیت خدمات تامین اجتماعی در سطح جامعه زمینه‌های رشد اقتصادی- اجتماعی را نیز فراهم می‌کند. از این رو به‌ویژه طی سه دهه اخیر فعالیت‌های تامین اجتماعی به‌عنوان یک ابزار توسعه‌ای یا حتی به‌عنوان هدف توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. مقوله تامین اجتماعی در ایران که نماد واقعی آن در حال حاضر در صندوق تامین اجتماعی متجلی شده است از این قاعده مستثنا نبوده و نقش موثر و سازنده آن از الزامات رشد و تعالی احاد مختلف جامعه قلمداد شود هر چند در آغازین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی مقوله تامین‌اجتماعی به‌ویژه صندوق تامین‌اجتماعی تا حدودی با بحران مشروعیت روبه‌رو شد که با فقه پویای امام‌خمینی(ره) و آگاه بودن به زمان مجتهدانی چون آیت‌الله شهید مطهری و آیت‌الله شهید دکتربهشتی جایگاه و اهمیت تامین اجتماعی نه تنها در چارچوب فقهی حل و فصل شد بلکه این اندیشه توانست مقوله تامین اجتماعی را در اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل۲۹ به‌عنوان حقی همگانی و تکلیفی برای دولت‌ها تجلی کند. با این توصیف در حال حاضر صندوق تامین اجتماعی بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین نهاد بیمه‌ای کشور می‌باشد به‌طوری که برابر سالنامه آماری این صندوق در حال حاضر بیش از ۴۶ درصد جمعیت کل کشور و بالغ بر ۵۶/۶درصد جمعیت شاغل کشور را تحت‌پوشش قرار داده است و از لحاظ ارایه خدمات درمانی بعد از دولت دومین تولیدکننده درمان در کشور می‌باشد، بنابراین به جرات می‌توان گفت کارآمد بودن این صندوق عظیم بیمه‌ای علاوه بر اینکه نقش کلیدی در رسیدن به اهداف توسعه دارد کارکردهای ضعیف آن می‌توانند سایر حوزه‌ها از جمله حوزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی حوزه امنیت ملی را تحت‌تاثیر قرار دهد به‌ویژه آنکه در ۵۰سال گذشته صندوق تامین برخلاف حداقل دو صندوق بزرگ بیمه‌ای دیگر یعنی صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق بازنشستگی نیروی مسلح همواره یار دولت‌ها بوده است. حال سوال بر سر این است که با داشتن چنین نهاد مهم و بزرگ بیمه‌ای و با ویژگی‌های بارز و برجسته آن، دولت‌ها چه تعهدات و مسوولیت‌هایی در مقابل آن دارند و از طریق تصمیمات حاکمیتی چگونه می‌تواند این صندوق را به سمت قله‌های خدمتگزاری هدایت یا برعکس او را به سمت کارآمدی و ورشکستگی هدایت کند. این یادداشت می‌کوشد کارکردهای هشت ساله دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد را در برخورد با هسته صندوق تامین اجتماعی در دو سطح آثار و پیامدهای کلان سیاسی و اقتصادی و همچنین در سطح عدم اجرای قوانین و مقررات حاکم بر این صندوق و خدشه‌دار شدن استقلال آن مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهد.

۱- تاثیرات سیاست‌های کلان اقتصادی

ضرب‌المثلی در مورد تاثیر اقتصادهای بزرگ جهان بر سایر کشورهای دیگر وجود دارد به این معنی که اگر اقتصاد آن کشور عطسه کند اقتصاد کشورهای دیگر در اثر شدت‌پذیری از آن دچار ذات‌الریه می‌شود. این دقیقا می‌تواندمصداق تاثیرپذیری و وابستگی شدید حوزه تامین‌اجتماعی از شاخص‌های اقتصاد کلان در کشور باشد. رونق اقتصادی، رشد بالای اقتصادی، کاهش بیکاری و بالارفتن نرخ اشتغال آثار و پیامدهای بسیار مثبت بر منابع این صندوق خواهد داشت و برعکس رکود و افزایش بیکاری آثار و پیامدهای ویرانگر بر جای خواهد گذاشت. در شرایط کنونی تورم و رکود در سطحی که ناشی از سیاست‌های دولت‌های نهم و دهم آقای احمدی‌نژاد می‌باشد، باعث کم‌ثباتی در وضعیت اقتصادی کشور شده است و از این طریق ضربه‌های سختی متوجه کارآیی و آینده صندوق تامین اجتماعی شده است، تورم از این جهت که دقیقا رفاه و قدرت خرید مستمری‌بگیران را مورد هدف قرار می‌دهد به طوری بیش از ۷۵درصد مستمری‌بگیران در حدود حداقل دستمزد حقوق دریافت می‌کنند که با خط فقر فاصله زیادی دارد. همچنین تورم بالا به شدت سایر هزینه‌ها را در حوزه اداره تامین اجتماعی بالا می‌برد که از همه مهم‌تر در حوزه سلامت می‌باشد که شدیدترین واکنش‌ها را در مواجهه با تورم نشان می‌دهد. تجربیات گذشته نشان می‌دهد که طی ۲۵ سال گذشته به ازای هر واحد تورم تقریبا ۲/۵ برابر هزینه‌های سلامت را افزایش می‌دهد و از این جهت به جرات می‌توان گفت آثار تورمی در حوزه بهداشت و درمان بالغ بر ۷۵درصد می‌باشد و همین مساله موجب شده است برخلاف تذکر مقام معظم رهبری که به دولت و نظام تصمیم‌گیری دستور داده‌اند که باید سهم مردم در هزینه‌های درمان در حدود ۳۰درصد باشد در حالی که این رقم در حال حاضر بالغ بر ۶۵ تا ۷۵ درصد است. در کنار آثار و پیامدهای زیانبار تورم بر صندوق تامین‌اجتماعی روی دیگر سکه این سیاست‌ها، مساله رکود می‌باشد. این حجم رکود در اقتصاد کشور موجب می‌شود که ورودی‌ها یا به عبارتی میزان بیمه‌شدگان جدید را به صندوق تامین اجتماعی به شدت کاهش دهد به طوری که تعداد بیمه‌شدگان اجباری که سنجش پایداری و توانایی روندهای بلند مدت صندوق تامین اجتماعی می‌باشد از سال ۱۳۸۵ تا نیمه سال ۱۳۹۱ در مجموع سالانه کمی بیش از ۳۰۰هزار نفر در سال بوده است که با شعارهای دولت درخصوص ادعای حداقل ۳/۵ میلیون شغل در دو سال گذشته چقدر فاصله دارد. همین رکود موجب شده است که بیش از ۳میلیون نفر بیکار در جامعه وجود داشته باشد که اگر این جمع جوان و کم هزینه به صندوق تامین اجتماعی با ایجاد اشتغال می‌پیوستند به بسیاری از بحران‌های پیشی گرفتن مصارف بر منابع این صندوق پایان می‌داد در کنار تورم و رکود چندساله در اقتصاد ایران آزادسازی واردات افراطی کالاهایی که اکثر آنها در کشور قابل ساخت است، بالاترین ضربات را به بخش تولید و مولد کشور زده به‌طوری که گفته می‌شود به‌ازای هر یک‌میلیارددلار کالای وارداتی مصرفی یک‌صدهزار فرصت شغلی موردتهدید قرار می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۱۰